

نامنی ترکیه

دلیل فسخ قرارداد والیبالیست ایرانی

بازیکن تیم والیبال ایران به دلیل شرایط نامناسب محل زندگی در نزدیکی مرز ترکیه و سوریه، قراردادش را با تیم ترکیه‌ای فسخ کرد. به گزارش ایسنا، میکائیل تاجر، بازیکن ۳۲ ساله والیبال ایران چند ماه پیش با تیم MSK Urfa ترکیه قهرمان لیگ این کشور به توافق رسید و با آنها قرارداد امضا کرد اما در روزهای گذشته صحبت‌هایی مبنی بر بازگشت او به ایران شنیده شد تا اینکه در نهایت او قراردادش را با تیم ترکیه‌ای لغو کرد. این بازیکن بعد از بازگشت به ایران با تیم بازیگانی هوش گنبد به توافق رسیده است. او از تیم شهرداری تبریز هم پیشنهاد داشت. میکائیل تاجر درباره علت ترک تیم ترکیه‌ای قبل از شروع مسابقات لیگ این کشور گفت: تیم «یورفا» ابتدا این ایده را داشت که چندین بازیکن بزرگ را به تیمش اضافه کند تا بتواند جایی در میان ۴ تیم برتر لیگ این کشور داشته باشد اما این اتفاق رخ نداده است. او در ادامه افزود: این باشگاه به تعهدات مالی خود هم عمل نکرد و به همین دلیل جلسه‌ای را با مسوولان این تیم برگزار کردیم و با توافق قرارداد را فسخ کردیم. تاجر در پایان گفت: شرایط زندگی من در آنجا هم خیلی مناسب نبود. به دلیل اینکه محل زندگی من در مرز سوریه و ترکیه قرار داشت خانواده‌ام آرامش نداشتند و من هم تصمیم گرفتم به ایران برگردم.



لویانف:

شکست دادن ایران سخت است

دروازه‌بان تیم ملی ازبکستان گفت: بازی با ایران برای هر دو تیم از حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار و بردن ایران سخت است. الکساندر لویانف در گفت‌وگو با تسنیم، درباره بازی روز پنجشنبه ایران و ازبکستان اظهار داشت: این بازی برای ازبکستان و همچنین تیم ایران یک بازی بزرگ و فوق‌العاده مهم است. نتیجه این دیدار برای هر دو تیم اهمیت زیادی دارد و ما می‌خواهیم برنده این دیدار باشیم تا همچنان صدرنشینی گروه بمانیم. وی در واکنش به این سوال که آیا ازبکستان با بردی که در ۲ بازی قبل خود کسب کرده می‌تواند ایران را هم شکست دهد، گفت: ایران تیم قدرتمندی است و از بازیکنان و مربیان توانمندی بهره می‌برد. فکر می‌کنم بردن تیم ایران سخت است. دروازه‌بان تیم ملی ازبکستان درباره اظهارات اخیر ایگور پانادیچ، مربی پیشینش در پرسپولیس مبنی بر اینکه لویانف دروازه‌بان ضعیفی است و با کلی اضافه وزن به پرسپولیس آمده، تصریح کرد: در این‌باره حرفی ندارم و تمرکز من روی بازی حساسی که با ایران دارم، گذاشتم.



مجتبی جباری باز هم مصدوم شد

ستاره سابق آبی‌پوشان پایتخت که در لیگ ستارگان قطر بازی می‌کند با آسیب‌دیدگی مواجه شده اما هنوز زمان دوری او از میدان مشخص نیست. به نقل از الوطن، مجتبی جباری یکی از بازیکنان تاثیرگذار الاهلی به شمار می‌آید و چند سالی است در این تیم قطری بازی می‌کند. ستاره پیشین استقلال تهران در دیدار الاهلی با الشمال که با پیروزی ۲ بر یک الشمال به پایان رسید با آسیب‌دیدگی مواجه شد. هنوز مدت دوری جباری از میدان مشخص نشده است. او روز دوشنبه در بیمارستان اسپرای قطر حاضر شد و قرار است بزودی گزارشی کامل از آسیب‌دیدگی این ستاره ایرانی در اختیار لوکا یوناچویچ، سرمربی الاهلی قرار گیرد. ستاره سابق آبی‌پوشان پایتخت در فصل جاری لیگ ستارگان قطر هم شروع خوبی با الاهلی داشت و توانست در همان دیدار نخست برای تیمش گلزنی کند تا ثابت شود دوران حضور او در لیگ ستارگان قطر هنوز به پایان نرسیده است و می‌تواند بازیکنی تاثیرگذار برای سبزپوشان قطری باشد.



کریستیانو: ۱۰ سال دیگر از فوتبال

خداحافظی می‌کنم

ستاره پرتغالی تیم فوتبال رئال مادرید گفت به این زودی تصمیمی برای خداحافظی از فوتبال ندارد و ۱۰ سال دیگر این امر را محقق خواهد کرد. کریستیانو رونالدو اکنون ۳۱ ساله و امیدوار است فوتبال خود را یک دهه دیگر ادامه دهد. وی گفته است قصد ندارد به این زودی از فوتبال خداحافظی کند. این مهاجم در تیم منچسترسیتیروایت ۲۹۱ بار به میدان رفت و ۱۱۸ گل زد. وی در رئال مادرید موفق شده در ۳۵۴ بازی ۳۶۷ گل به ثمر برساند. رونالدو به همراه منچسترسیتیروایت ۴ بار فاتح رقابت‌های لیگ برتر شد اما در لالیگا فقط یک‌بار قهرمان شده است. رونالدو ۳ بار هم جام قهرمانی رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا را بالای سر برده است. وی با پرتغال هم به عنوان قهرمانی یورو ۲۰۱۶ رسیده است. اما این مهاجم هنوز تشنه بازی است و با گفتن اینکه قصد دارد یک دهه دیگر بازی کند، این موضوع را نشان داده است. این بازیکن ۳۱ ساله گفت: زندگی فقط فوتبال نیست اگر چه فوتبال حس بزرگی برای من می‌باشد و حساب می‌آید. باید به آینده فکر کنم.

چرا مدیران ایرانی برانکو را به کی‌روش ترجیح می‌دهند؟

آرامش مخرب



قشقایب را نمی‌خورد. همانطور که قبل از بازی با هند و گوام لحظه‌ای درباره قدرت آنها دچار تردید نشد و به بازیکنانش گفت «کوتاه نباید همین‌ها شما را تحقیر می‌کنند». اما فوتبال ما سواى سلیقه مدیران، محتاج کدام دست از مربیان خارجی است؟ بدون شک اگر قرار به پیشرفت و به‌روز شدن باشد بهتر است مربی‌ای بیاید که به وقتش مقابل مدیر بالادستی می‌ایستد و از او می‌خواهد ابزار پیشرفت را برای فوتبال ایران مهیا کند. از او می‌خواهد عوض فضاغت به لباس در چه چندم آل‌اشپورت و جی‌ووا سراغ آدیداس برود نه تنها برای بردش بلکه به این خاطر که در هوای گرم در آن لباس بازیکن تیم‌ملی چند لیتر کمتر عرق می‌کند و این رابطه مستقیم با نتیجه دارد.

هفته‌های ابتدایی فصل و در غیبت مهاجم اصلی به دلیل مصدومیت، نشان دادند مهاجمی با انگیزه و توانمند هستند و می‌توانند به کمک رئال بیایند. شاید قرار دادن این بازیکنان در ترکیب اصلی در هفته‌های گذشته می‌توانست باعث شود رئال نتایج بهتری از نسای بگیرد. به هر حال، اگر ترکیب اصلی این مهاجم وزلی هم عملکردی سرنوشت‌ساز نداشته و در بازی‌های اخیر البته رئال اکنون بیش از همیشه به تجربه و توانایی‌های بسیار بالای بیل، بنزما و رونالدو نیاز دارد و این ۳ بازیکن باید با رسیدن به آمادگی کامل به کمک رئال بحرانی این روزها بیایند. ادامه بازی‌های ضعیف این ۳ مهاجم نه تنها باعث ضرر رئال خواهد شد بلکه در بلندمدت احتمالاً درباره میزان توانایی‌های آنها هم تردیدهایی به‌وجود خواهد آورد.



شد خلعتبری با قرارداد بسیار بالا به تبریز برود. اما بازی‌های ضعیف خلعتبری همچنان ادامه داشت تا جایی که گسترش فولاد هم اینک تیم قهر جدول است و شاید به همین دلیل کادر فنی این تیم از گلزنی خلعتبری کلافه شده و فعلاً قصد تنبیه او را دارد. اگر کماندو و مدیریت گسترش تصمیمی دل بر بازگشت خلعتبری نگیرند آن وقت شاید با فسخ قرارداد این بازیکن گران‌قیمت، شرایط او برای حضور در استقلال مهیا شود. خلعتبری عنوان کرده دیگر کار برایش در گسترش سخت است و چه پیشنهادی بهتر از حضور در خط حمله استقلال.

حالا باید دید عقابیت این بازیکن چه می‌شود. اگر کماندو او را نخواهد، بدون تردید مقصد او این بار تهران است و باشگاه استقلال. با توجه به ضعف مهاجمان استقلال خلعتبری در صورت درخشش می‌تواند نقش منجی این تیم را ایفا کند البته به آن شرط که شباهتی به یک فصل اخیرش در سپاهان و گسترش نداشته باشد.

طول این ۲ فصل که می‌شود از محسن مسلمان در فصل قبل و طارمی و رضاییان در این فصل یاد کرد. اما آنچه دست آخر به پرسپولیس ضربه کاری را وارد کرد مربوط به اصرار سرپرست در مقابل حضور در جام حذفی بدون ملی‌پوشان بود. برانکو بنا به گواهی آرشو مصاحبه‌هایش از همان روز نخست به صورت سفت و سخت اعلام کرد در هیچ بازی حذفی بدون ملی‌پوشان وارد زمین نمی‌شود اما عقابیت فشار طاهری کار خودش را کرد و حالا به همین راحتی یکی از جام‌های پیش رو از دست برانکو و تیمش می‌رود. در اینجا بحث حقوق از دست رفته برانکو و منافع شخصی‌اش نیست؛ دل میلیون‌ها هوادار به سختی شکست و با گذشت چند روز از آن شکست تاریخی، هنوز

سرمربی تیم شهامت یک خط اعتراض علیه مدیریت تیم را نداشته است. دقیقاً برعکس کارلوس کی‌روش که برای جلوگیری از چنین اتفاقات تلخی، بارها مقابل مدیران بالادستی‌اش ایستاد و به فکر منافع شخصی‌اش نبود. طبیعتاً یک مدیر آرام و غیرفوتبالی مثل طاهری ترجیح می‌دهد با مربیانی مثل برانکو کار کند که حتی پس از تراژدی، شهامت اعتراض ندارند تا کسی مثل کی‌روش که مثل روز روشن است سرش می‌رفت کار برانکو را نمی‌کرد. تصور کنید کی‌روش سرمربی پرسپولیس بود و مدیریت به او دستور می‌داد باید بدون ملی‌پوشان به شیراز بروی. بدون شک کی‌روش همانند برانکو فریب ضعیف بودن

وضعیت بسیار بحرانی برای رئال و هوادارانش

بی‌بی‌سی کجاست؟

اندکی از ۲ همتای دی‌گرش در خط حمله رئال بهتر است اما این مهاجم وزلی هم عملکردی سرنوشت‌ساز نداشته و در بازی‌های اخیر نتوانسته ورق را به سود رئال برگرداند. با توجه به آمار ضعیف مثلث خط حمله معروف رئال، به نظر می‌رسد این مساله که بنزما، بیل و رونالدو به طور همیشگی همواره در ترکیب اصلی قرار می‌گیرند و در واقع نیمکت‌نشین کردن آنها یک خط قرمز محسوب می‌شود، به ضرر رئال تمام شده است. الوارو موراتا و مارکو آسنسیو روی نیمکت رئال حضور دارند و در

کریستیانو رونالدو و کریم بنزما به هیچ وجه در حد و اندازه‌هایی که انتظار می‌رفت ظاهر نشده‌اند. رونالدو بدترین شروع خود در لالیگا را در زمینه گلزنی داشته و این روزها در ترکیب رئال کاملاً محو است و کریم بنزما هم اصلاً وضعیت بهتری از رونالدو ندارد. این رونالدو که به مثلث بی‌بی‌سی معروف شده‌اند، ایبار بازی بسیار ضعیفی ارائه داد و در شرایطی که در ترکیب اصلی قرار داشت تنها ۶ بار توپ به او رسید که نشان می‌دهد بنزما عملاً در آن بازی هیچ نقش و فایده‌ای نداشت. وضعیت گرت بیل



تقویت خط حمله‌اش به دنبال یک گزینه دیگر است. وقتی او متوجه شد باشگاه گسترش فولاد با محمدرضا خلعتبری دچار مشکل شده است و فعلاً خبری از حضور این بازیکن در تمرینات این تیم

و هم سرمربی این تیم از این رو منصوریان برای

چرا سرمربی تیم ملی آرام نیست؟

مثل گلادیاتور

جواد رسولی: ۵ سال پیش در همین روزهای اول پاییز تیم‌ملی در ورزشگاه آزادی با بحرین بازی کرد. این یکی از بازی‌های دور اول مقدماتی جام جهانی بود. ما بازی را ۶ بر صفر بردیم. صحنه‌ای از بازی هست که هرگز فراموش نمی‌کنم؛ کی‌روش همان وقتی که تیم داشت حمله می‌کرد و گل پنجم را هم زده بود، آمده بود لب خط و سر بازیکن‌ها فریاد می‌زد. برافروخته و عصبی بود. تیمش یکی از بهترین نتایج ممکن را گرفته بود و او می‌توانست بنشیند و حرف‌های نشست خبری بعد از بازی را آماده کند اما او به جایش نگران بود؛ نگران اینکه بازیکن‌ها وظایف تعریف‌شده‌شان را رها کرده‌اند و در جو احساسی سنگین آزادی با آن همه تماشاگر و تاریخچه خشم و نفرتی که بین دو تیم هست، دارند برای خودشان بازی می‌کنند. تیمش داشت به همان سبکی بازی می‌کرد که سال‌ها به آن خو گرفته بود. یک‌جور فانتزی احساسی، سبکی حماسی که وقتی می‌گیرد، کار حریفش سخت می‌شود اما مشکل اینجاست که این اتفاق معلوم نیست هر چند وقت یک‌بار رخ می‌دهد و اگر رخ دهد نیز لزوماً قرار نیست به پیروزی منجر شود. فریادهای کی‌روش برای بازگرداندن نظمی بود که بازیکنان ما به آن عادت نداشتند. نه تنها بازیکنان که هیچ‌کدام از ارکان فوتبال ایران به آن تن ندهاده بودند. کی‌روش آمده بود آن کار سخت‌تر را بکنند؛ نظم را جای احساسات حاکم کند. فوتبال مبتنی بر «حماسه‌های هر چند سال یک‌بار را تبدیل کند به «سازماندهی» تیمی که به صورت مداوم نتیجه می‌گیرد. می‌چنگد و پیروز می‌شود. جنگ کی‌روش در این سال‌ها بیشتر از آنکه درون زمین متمرکز شود، بیرون از میدان بوده. توی زمین بازیکنانش او را قبول دارند، به حرفش گوش می‌دهند و حالا پس از گذشت این ۵-۶ سال، مستقل از آنکه چه ترکیبی را به زمین می‌فرستد، نمایش تیمش منظم، به اعتماد به نفس و توانمند است؛ تیمش کسر سر صبر و حوصله می‌چنگد و دغدغه خودنمایی و فانتزی ندارد. بیرون زمین اما داستان متفاوت است. از یک طرف او سبیل حمله کسانی است که شائق همان روایت فانتزی از فوتبال هستند. اسپر نوستالژی و روزهای خوش گذشته. آنکه چه در سربز بود در ده ماه مربیان خارجی می‌آمدند، سر سفه ما می‌نشستند، با ما دزدی می‌خوردند، فارسی یاد می‌گرفتند و چقدر محبت‌ها بیشتر بود. کسی به فکر مادیات نبود. روزگار حماسه و زلزله، روایتی که ارتباطش با واقعیت قطع شده است. کسی یادش نمی‌آید در آن روزگار حریفان ایران در چه وضعیتی بودند. این روایت، کتک‌ها را حذف می‌کند تا در نوستالژی آرامش‌بخش غرق شود؛ مثلاً فراموش می‌کند رایکوف در کل فقط ۵ بار به‌عنوان سرمربی تیم‌ملی روی نیمکت نشست و از این بازی‌ها فقط دو تایش بازی‌های رسمی فیفا بود. او نه تنها افتخاری کسب نکرد و تاثیری روی تیم‌ملی ایران نگذاشت که اصولاً فرصتی برای این کار نداشت. روایت نوستالژی‌پسند حماسه‌دوست

نمی‌بیند که همه مناسبات فوتبال در جهان نسبت به آن روزهای خوش گذشته چقدر عوض شده است؛ از دست‌مزدها، ساختار باشگاه‌ها و حجم پول‌های جابه‌جا شده در طول سال از طریق حق پخش و تبلیغات و تاثیرات سیاسی-اجتماعی گرفته تا سبک بازی‌ها، ایده‌های مربیان، شکل تمرین‌ها، تکنیک‌های آنالیز بازی‌ها و شیوه‌های مدیریت و البته تاثیر رسانه‌ها و انبوهی و فراوانی‌شان. روایت فانتزی نمی‌بیند واقعیت سرد و زمخت امروز فوتبال با آن روزهای گرم، دوست‌داشتنی و پرمحبت بسیاری متفاوت است. کی‌روش در یک جنبه دیگر هم دارد می‌چنگد؛ در مبارزه با کسانی که توقعات‌شان از تیم‌ملی با آنچه واقعیت فوتبال امروز ایران نشان می‌دهد، تفاوت‌های عجیبی دارد. واقعیت تلخ مقابل‌مان این است: میانگین گلزنی بهترین گلزنان لیگ برتر ایران در چند سال گذشته بین دهم تا چهاردهم آسیا بوده است. تیم‌های ملی جوانان و نوجوانان ایران طی ۶ سال گذشته در تورنمنت‌های آسیایی و جهانی با نتوانسته‌اند حضور داشته باشند یا در معدود رقابت‌هایی که شرکت کرده‌اند حتی از گروه‌شان صعود نکرده‌اند. وضعیت تیم امید که یکی از مرثیه‌های تکراری ۴۰ سال گذشته است، باشگاه‌های فوتبال‌مان بدترین نتایج را در بازی‌های آسیایی می‌گیرند و نمی‌توانند از گروه‌شان بالا بروند. عشق به آن چیزی که یاد می‌گیرید یا می‌خواهید به دست بیاورید. کی‌روش و تیمش برای به دست آوردن تک‌تک اینها جنگیده‌اند. آن نقل‌های لب خط کارلوس کی‌روش و مصاحبه‌های توفانی‌اش، غر زدن نیست؛ جنگی است که او از همان اول کار در تیم‌ملی علیه همه سوءتفاهم‌ها و کاسبکاری‌ها و طبلکاری‌ها و احوالات بیگانه‌سنجیزانه و سادولوحانه شروع کرده و همچنان دارد ادامه می‌دهد.